



## خودشناسی و نتایج و ثمرات آن در آینه ادعیه امام سجاد (ع)

اکبر عروتنی موفق<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۳۰

### چکیده

خودشناسی یکی از مسائل بسیار مهم در حوزه‌های گوناگون عرفان، فلسفه، اخلاق، روان‌شناسی و ... است. خودشناسی، زیربنای سعادت انسان‌ها در همه ابعاد و زوایای مادی و معنوی زندگی است. آدمی در پرتو خودشناسی، به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و نیازهای درونی و برونی خود پی برده و عواملی را که مایه رشد، تعالی و کمال است، تشخیص می‌دهد. با توجه به اهمیت، ضرورت و جایگاه خودشناسی، این مقاله به «خودشناسی و نتایج و ثمرات آن در آینه ادعیه امام سجاد (ع)» پرداخته است. با توجه به پراکندگی مباحث مربوط به خودشناسی در ادعیه صحیفه سجادیه با اخذ رویکرد تحلیلی و استفاده از روش‌های تحلیل مفهومی، گزاره‌ای و سیستمی به بررسی موضوع در ادعیه ۵۴گانه صحیفه سجادیه پرداخته شد. بر اساس بررسی به عمل آمده امام سجاد (ع) با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون به خودشناسی اخلاقی، عارفانه و فلسفی بیش از سایر گونه‌های خودشناسی پرداخته است. از نگاه امام سجاد در خودشناسی عارفانه و اخلاقی انسان در عین حال که در بین آفریدگان بهترین و بالاترین مخلوق است ولی از نظر وجودی فقر محض و عین نیاز و وابستگی به آفریدگار خویش است و درک عمیق این فقر وجودی حلقه ارتباطی او با حضرت حق جل و علاء است که در حوزه اخلاق، اخلاق بندگی و عبودیت را شکل می‌دهد و او را در سایه ربوبیت حق تعالی قرار داده و زمینه خودسازی او را فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی: خودشناسی، اخلاق، امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه

## ۱. مقدمه

در مجموعه مباحث معرفت‌شناسی خودشناسی از جایگاه بسیار والایی برخوردار است. تا جایی امام علی (ع) آن را سودمندترین دانش‌ها دانسته است «معرفة النفس انفع المعارف» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ص ۷۱۲) و یا در بیانی دیگر خودشناسی را نهایت معرفت و شناخت به حساب آورده‌اند «غایه المعرفة ان يعرف المرء نفسه»؛ «نهایت معرفت آن است که انسان خود را بشناسد» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱: ص ۴۶۹). انسان از طریق خودشناسی با قابلیت‌ها، استعدادها، ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و نقاط ضعف و قوت خود آشنا شده و می‌تواند در جهت رسیدن به کمال از آنها به بهترین شکل ممکن استفاده نماید. به بیان جامع‌تر انسان از طریق خودشناسی می‌تواند به اموری چند نائل آید از جمله: شناخت جایگاه انسان در مجموعه نظام خلقت؛ شناخت و معرفت ارزش وجودی و کرامت انسانی او؛ شناخت مناسب از استعدادها و قابلیت‌های رشد و بالندگی آدمی و بهره‌گیری از آنها در مسیر نائل آمدن به کمال وجودی؛ شناخت افکار، اندیشه‌ها و احساسات گوناگون انسان؛ شناخت صحیح از عوامل تکامل معنوی و انحطاط اخلاقی و شناخت عیوب و نقاط ضعف خویشتن؛ شناخت شگفتی‌های آفرینش در ابعاد جسمانی و اعضا و جوارح و... و بالاخره شناخت خود از جهت عمل‌ها، رفتارها، عادت‌ها و اخلاق و نیز ارزیابی سیر زندگی و نهایی که به آن می‌تواند برسد و فرجامی که برای او در سایه اعمالش رقم خواهد خورد.

اندیشمندان برای خودشناسی با توجه به موضوع، هدف، روش و... انواع گوناگونی ذکر نموده‌اند، خودشناسی فلسفی، اخلاقی، عارفانه، روان‌شناختی، فیزیولوژیکی نمونه‌هایی از انواع خودشناسی است.

از بین انواع گوناگون خودشناسی در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی با مراجعه به ادعیه گران‌مایه امام سجاد (ع) در صحیفه سجاده به بررسی خودشناسی و نتایج و ثمرات آن در آینه ادعیه امام سجاد (ع) پرداخته شده است. از نگاه امام سجاد در خودشناسی عارفانه و اخلاقی انسان در عین حال که در بین آفریدگان بهترین و بالاترین مخلوق است، ولی از نظر وجودی فقر محض، عین نیاز و وابستگی به آفریدگار خویش است و درک عمیق این فقر وجودی حلقه ارتباطی او با حضرت حق جلّ و علا است که در حوزه اخلاق، اخلاق بندگی و عبودیت را شکل می‌دهد و او را در سایه ربوبیت حق تعالی قرار داده و زمینه خودسازی او را فراهم می‌سازد.

## ۲. جایگاه و اهمیت صحیفه سجاده

امام سجاد (ع) با آن که در بدترین شرایط زمانی زندگی می‌فرمود و از سوی حاکمان جور و ستم، تحت شدیدترین فشارهای جسمی و روانی قرار داشت، (یعقوبی، ۳۷۱: ج ۲: ص ۱۸۴؛ مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۳: ص ۸۵) ولی در گسترش ایمان و پایداری و در احیای اسلام ناب محمدی (ص) و



سیره جد بزرگوارشان نقش بی‌بدیل و منحصر به فردی داشتند. برخی از محققان مسلمان، عصر امام سجاد (ع) را به لحاظ سیاسی و فرهنگی، تاریک‌ترین عصرها می‌دانند و از آن به دوره سقوط فرهنگ اسلام یاد می‌کنند (ابراهیم حسن، ۳۷۶: ج ۱: ص ۱۳۵). از فعالیت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی امام سجاد (ع) به عنوان هنری بزرگ و معجزه‌های شگرف یاد نمود. حضرت در چنین شرایط دشواری تلاش فرهنگی خود را بر روی دو موضوع متمرکز نمود:

۱) تبیین مسائل اسلامی: آن حضرت با زبان دعا و مناجات که بسیاری از آنان در قالب

دعای «ابوحمزۀ ثمالی» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲: ص ۵۸۲) و «صحیفۀ سجادیه»، «رسالۀ الحقوق» (شهیدی، ۱۳۸۵ش: ص ۱۶۹-۱۷۰) به جای مانده است، مسائل اسلامی را تبیین فرمود.

۲) احیای سنت و سیره پیامبر اکرم (ص): امام سجاد (ع) از راه یک زندگی بی‌پیرایه و

پاک و نیز تربیت صدها شاگرد آگاه و خودساخته، در قالب خرید و آزاد کردن غلامان و کنیزان فراوان، سیره عملی پیامبر اسلام (ص) را در سطح جامعه زنده می‌کرد.

همان‌طور که بیان شد امام سجاد (ع) بسیاری از معارف دینی را در قالب دعا بیان نموده است. صحیفۀ سجادیه تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست بلکه مجموعه‌ای مشتمل بر بسیاری از علوم و معارف اسلامی است که در آن مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا بیان شده است؛ خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و مباحث عالم غیب، فرشتگان، رسالت انبیا، جایگاه پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، امامت، فضایل و رذایل اخلاقی، گرامیداشت اعیاد، مسائل اجتماعی و اقتصادی، اشارات تاریخی، نعمت‌های مختلف خداوند، آداب دعا، تلاوت، ذکر، نماز و عبادت از جمله موضوعاتی است که آن امام همام مورد توجه قرار داده‌اند.

در طول تاریخ بزرگان دینی و مذهبی با ادعیه امام سجاد مأنوس بوده و از آنها بهره‌ها برده‌اند. امام خمینی (ره) نیز به عنوان یک مجدد در جهان معاصر و بنیان‌گذار نظام اسلامی با صحیفۀ سجادیه انس فراوانی داشت. زمانی که ایشان به ترکیه تبعید شده بود، در نامه‌ای که به خانواده‌اش می‌نویسد، بعد از سفارش به صبر، درخواست فرستادن صحیفه را به آنکارا می‌کند (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱: ص ۴۲۸). ایشان به همراه اهدای یک جلد صحیفه به نوۀ خود، این کتاب را این‌گونه وصف می‌کند: «صحیفۀ کاملۀ سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگ‌ترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن کتابی است الهی که از سرچشمۀ نورالله نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم‌الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می‌آموزد. کتاب شریفی است که سبک بیان معارف الهیۀ اصحاب معرفت را چون سبک قرآن کریم، بدون تکلف الفاظ در شیوۀ دعا و مناجات برای تشنگان معارف الهیه بیان

می‌کند. این کتاب مقدس چون قرآن کریم سفره الهی است که در آن، همه‌گونه نعمت موجود است و هرکس به مقدار اشتیهای معنوی خود از آن استفاده می‌کند. این کتاب هم‌چون قرآن الهی ادقّ (دقیق‌ترین) معارف غیبی که از تجلیات الهی در ملک و ملکوت و جبروت و لاهوت و مافوق آن حاصل می‌شود، در ذهن من و تو نیاید و دست طلبکاران از حقایق آن کوتاه است، به شیوه خاص خود قطراتی که از دریای بیکران عرفان خود می‌چشاند و آنان را محو و نابود می‌کند...» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ص ۲۰۹).

ایشان در وصیت‌نامه سیاسی الهی خود هم یادآور شدند: «ما مفتخریم که ادعیه حیات‌بخش که او را «قرآن صاعد» می‌خوانند از ائمه معصومین (ع) ما است. ما به مناجات شعبانیه امامان و دعای عرفات حسین بن علی (ع) و «صحیفه سجاده» این زبور آل محمد و «صحیفه فاطمیه» که کتاب الهام‌شده از جانب خداوند تعالی به زهرای مرضیه است از ما است» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱: ص ۳۹۲).

### ۳. خودشناسی

ارتباط اخلاقی درون‌شخصی در زیست و تربیت اخلاقی از میان ارتباط‌های چهارگانه آدمی دارای اولویت است؛ زیرا انسان دارای ارتباط شناختی، احساسی، کنشی و وجودی با خود است و ارتباط شناختی نیز اهمیت فراوانی دارد به گونه‌ای که مواجهه درست و صادقانه با تردیدهای ذهنی، مسئولیت اخلاقی فرد در قبال خود است و بی‌اعتنایی به تردیدها و فرار از آنها غیراخلاقی است و رسیدن به یقین بدون مواجهه با تردیدهای ذهنی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین علت ملاک فعل اخلاقی در ارتباط درون‌شخصی و ارتباط بین شخصی متمایز از یکدیگر است. برخی از محققان معتقدند عرفان عملی با خودشناسی آغاز می‌گردد (رودگر، ۱۳۹۰: ص ۱۳۱).

امام سجاد (ع) در رساله الحقوق در بین تبیین انواع گوناگون حقوق از حق انسان بر خود سخن گفته و می‌فرماید: «و اما حق نفسک علیک فان تستوفیها فی طاعه الله؛ فتودی الی لسانک حقه و الی سمعک حقه و الی بصرک حقه و الی یدک حقهها و الی رجلک حقهها و الی بطنک حقه و الی فرجک حقه و تستعین بالله علی ذلک»؛ «اما حق خودت بر خودت آنست که از تمام قوه و نیروی خدادادیت؛ استفاده کنی و خودت را در مسیر طاعت خداوند قرار دهی؛ پس ادا نمایی حق زبانت را و حق گوشت را و حق چشمت را و حق دستت را و حق پایت را و حق شکمت را و حق عورتت را و در ادای این حقوق از خدا کمک بخواهی و به او اتکا کنی» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۵۶).

#### ۱-۳- تعریف خودشناسی

همان‌طور که بیان گردید برای خودشناسی انواع گوناگونی ذکر شده است از جمله: خودشناسی فلسفی، خودشناسی اخلاقی، خودشناسی عرفانی و... (سادات، ۱۳۶۸: ص ۲۴۳). خودشناسی یا



معرفت نفس در علم اخلاق از جایگاه والایی برخوردار است؛ زیرا اخلاق نوعی تربیت است و تربیت بدون شناخت و معرفت امکان‌پذیر نیست. اندیشمندان معتقدند «خودشناسی اخلاقی یعنی شناخت انسان از آن نظر که دارای استعدادها و نیروهایی برای تکامل انسانی است» (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ص ۱۹، همان، ۱۳۸۸: ص ۶۶). به عبارت دیگر خودشناسی یعنی شناختن استعدادها، گرایش‌ها، بینش‌ها، سرمایه‌ها، امانت‌ها و ودیعه‌هایی که آفریدگار هستی در اختیار انسان گذاشته است. خودشناسی به این مقوله می‌پردازد که چه بوده‌ایم، چه شده‌ایم و چه باید بشویم. در عرفان نیز برخی از محققان معتقدند معرفت نفس از مهم‌ترین اصول عرفان اسلامی به شمار می‌آید. در طریقه عرفانی آخوند ملا حسینقلی همدانی و شاگردان ایشان، توجه به خویشتن و تأمل در معرفت نفس اهمیت بسیاری دارد (حسینی طهرانی، ۱۳۹۶، ج ۱: ص ۴۷۸).

از نگاه آیت الله جوادی آملی با معرفت نفس بسیاری از معارف علمی و فضایل اخلاقی برای انسان به دست می‌آید. معرفت توحیدی، خوف و خشیت الهی، کناره‌گیری از دنیا، خودنگه‌داری نفس، شهود ملکوت، معرفت به پیامبر (ص) و ائمه (ع)، (رودگر، ۱۳۹۰: ص ۱۱۷) و ورود به ولایت الهی از جمله آثار و نتایج معرفت نفس معرفی شده است (رودگر، ۱۳۸۱: ص ۹۸).

## ۲-۳- خودشناسی از نگاه امام سجاد (ع)

امام سجاد (ع) در دعاهای خود به انحا و اشکال گوناگون در مورد انسان و ویژگی‌های او صحبت فرموده و شناختی جامع و کامل از انسان در حوزه مباحث مربوط به انسان‌شناسی ارائه فرموده است. بر اساس ادعیه صحیفه سجادیه انسان موجودی دوساحتی است. در برخی از دعاها هم درباره بعد جسمانی انسان صحبت شده و هم درباره روح فرد و حالات و تحولات آن بحث‌های مختلفی مطرح شده است.

در فرازهایی از دعای اول صحیفه سجادیه حضرت واقعیت‌هایی را در مورد خلقت و آفرینش انسان در قالب حمد و ستایش بیان می‌دارد. از جمله: ۱. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اخْتَارَ لَنَا مَخَاسِنَ الْخَلْقِ»؛ «سپاس خداوندی را که سیرت‌ها و صورت‌های پسندیده را برای ما برگزید»؛

۱) «وَ أَجْرِي عَلَيْنَا طَيِّبَاتِ الرَّزْقِ»؛ «و روزی‌های خوش و نیکو را به ما ارزانی داشت».

۲) «وَ جَعَلَ لَنَا الْفَضِيلَةَ بِالْمَلَكَةِ عَلَيَّ جَمِيعِ الْخَلْقِ»؛ «خداوندی که ما را آن‌گونه برتری داد که بر همه آفریدگان سلطه یابیم».

۳) «فَكُلُّ خَلْقِيَّتِهِ مُنْقَادَةٌ لَنَا بِقُدْرَتِهِ، وَ صَائِرَةٌ إِلَى طَاعَتِنَا بِعِزَّتِهِ»؛ «چندان که به قدرت او هر آفریده فرمان‌بردار ماست و به عزت او در رفق طاعت ما».

۴) «وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَغْلَقَ عَلَيْنَا بَابَ الْحَاجَةِ إِلَّا إِلَيْهِ»؛ «ستایش مخصوص خداوندی است که درهای حاجت و نیاز، جز به روی خودش، را به روی ما بسته است» (دعای ۱، فراز

همان‌طور که مشخص است هر بخشی از این دعا در حوزه شناخت انسان اشاره به یک ویژگی و خصوصیت مهم و قابل توجه دارد اما در میان ویژگی‌ها و خصوصیات آدمی نکته قابل توجه در بند ۵ توجه به فقر و نیاز انسان است که تأثیر بسیار زیادی در رشد و تعالی وی و پیمودن مسیر کمال دارد به همین علت این مسئله در صحیفه سجادیه با نگاه ویژه‌ای دنبال شده است.

### ۱-۲-۳- توجه به فقر و نیاز ذاتی انسان

همان‌طور که بیان گردید، یکی از مهم‌ترین وجوه خودشناسی توجه و درک صحیح از فقر وجودی انسان است. فقر دارای مراتب متعدّد از جهت‌های گوناگون است و بالاترین مرتبه فقر، فقر در ذات وجود (وجود ذاتی) است (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۹: ۱۱۹).

فقر ذاتی انسان از مسائل مهمی است که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «یا ایها الناس أنتم الفقرا الی الله و الله هو غنی الحمید»، «ای مردم، شما به خدا نیازمندید و خداست که بی‌نیاز ستوده است» (سوره فاطر، آیه ۱۵). در این آیه کریمه ابعاد بسیار مهمی از عرصه‌های معرفتی و شناختی مطرح شده است. شناخت حقیقت انسان برای رسیدن به حقیقت غنی مطلق و همراه بودن این فقر در همه ساحت‌ها و عوالم وجودی با انسان و تفاوت فقر و غنای حقیقی از جمله مسائل مهمی است که این آیه شریفه بیان می‌دارد. همان‌گونه که بی‌نیازی وصف ذاتی خداوند است و خدا عین غناست، فقر و نیاز هم وصف ذاتی ممکنات و مخلوقات است و انسان هم به واسطه ممکن‌الوجود بودن عین فقر است (رضایی، ۱۳۹۹: ص ۳۲۸). آیت‌الله جوادی آملی در تبیین این آیه فرمود: «همه انسان‌ها فقیر و نیازمند به خدا هستند». از این آیه استفاده می‌شود که «فقر به خدا، مقوم انسان است و اگر فقر به خدا مقوم درونی انسان بود، دین خدا رافع این فقر است و به عنوان عین‌الحیاء و آب زندگانی است» (جوادی آملی، ۱۳۶۸: ۱۵۸).

امام حسین (ع) در فرازهای پایانی دعای عرفه با اشاره به مسئله فقر ذاتی انسان می‌فرماید: «إلهی أنا الْفَقِيرُ فی غِنای فَكَيْفَ لَا أَكُونُ فَفَقِيرًا فی فَقْرِي»، «بارالها من در حال بی‌نیازی فقیرم، پس چگونه در حال فقر، فقیر نباشم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۸: ص ۲۲۵). در این فراز از دعا، امام حسین (ع) به فقر ذاتی خود و غنای ذاتی خداوند اشاره می‌کند. اعتراف می‌فرمایند که هیچ چیز از خود ندارم؛ زیرا هرچه دارم از تو دارم. این زبان حال تمام عالم امکان است. چرا که حقیقت فقر، نیازمندی است و بنده همواره نیازمند است، چه آن‌که بندگی یعنی مملوک بودن، و مملوک به مالک خود محتاج است.

امام سجاد (ع) با درک عمیق این مسئله در فرازهای گوناگون دعاها صحیفه سجادیه به این امر مهم که جهت‌دهنده به زندگی و تعاملات گوناگون آدمی است اشاره کرده و می‌فرماید: «یا غنی الأَغْنیاء، هَا، نَحْنُ عِبَادُكَ بَیْنَ یَدَیْكَ، وَ أَنَا أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ إِلَیْكَ، فَاجْبُرْ فَاقَتَنَا بِوَسْعِكَ وَ لَا تَقْطَعْ رَجَاءَنَا بِمَنْعِكَ»، «ای بی‌نیاز بی‌نیازان، اینک ما بندگان تو در دست توایم و من محتاج‌ترین محتاجان به



درگاه تو هستم» به گشایشی که در کار ما دهی بینوایی ما جبران کن و ما را از درگاه خود مران که نومید گردیم (دعای ۱۰، فراز ۳). ایشان ضمن اعتراف به غنی مطلق بودن خداوند با عبارت «غنی الاغنیاء» و به فقر انسان به عنوان یک عباد الله با عبارت «أَفْقَرُ الْفُقَرَاءِ» اشاره می‌کند.

در نگاه انسان‌شناسانه امام سجاد (ع) با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن کریم ضعف و ناتوانی انسان مورد توجه قرار گرفته است: «اللَّهُمَّ وَ إِنْكَ مِنَ الضَّعْفِ خَلَقْتَنَا، وَ عَلَي الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا، وَ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا، فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ، فَأَيَّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدَّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ»؛ «بار خدایا، ما را از ناتوانی آفریده‌ای و بنیان ما بر سستی نهاده‌ای و از آبی پست و بی‌ارج صورت بسته‌ای. ما را هیچ جنبشی نیست مگر به توانی که تو ارزانی داری و نیرویی نیست مگر به مددی که تو رسانی» (دعای ۹، فراز ۵). قسمت اول دعا یعنی عبارت «اللَّهُمَّ وَ إِنْكَ مِنَ الضَّعْفِ خَلَقْتَنَا» مبتنی بر این آیه کریمه قرآن است که فرمود: «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا»؛ «خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند؛ و [می‌داند که] انسان، ناتوان آفریده شده است» (سوره نساء، آیه ۲۸). برای ضعیف بودن انسان وجوه مختلفی بیان شده است. علامه طباطبایی در این باره می‌فرماید: «ضعیف بودن انسان از این بابت است که خدای سبحان در او قوای شهویه را ترکیب کرده، قوایی که دائماً بر سر متعلقات خود با انسان ستیزه می‌کند و وادارش می‌سازد به این‌که آن متعلقات را مرتکب شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴: ص ۴۴۹). مقاومت انسان در برابر طوفان گرایز ضعیف بوده و انسان‌ها در این زمینه آسیب پذیر هستند، به همین جهت خداوند در قرآن کریم از زبان حضرت یوسف نقل می‌کند که فرمود: «وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنْ النَّفْسُ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنْ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ «و من نفس خود را تیرئه نمی‌کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان است» (سوره یوسف، آیه ۵۳). در بخش دوم این فراز فرمود: «عَلَى الْوَهْنِ بَنَيْتَنَا» وهن در لغت به سستی در ویژگی‌های جسمانی و اخلاقی، اطلاق می‌گردد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۸۷) و در اصطلاح قرآنی به پدیدار شدن ضعف در اثر بروز علتی در بدن یا عمل یا فکر و یا مقام، گفته می‌شود (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳: ص ۲۱۴) «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُؤْلَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ»؛ «سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود» (سوره سجده، آیه ۳۲) و کلمه «مهین» از «هون» است که به معنای ضعف و حقارت است (علامه طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ص ۳۷۴). در مورد مهین بودن آبی که انسان از آن آفریده شده است، چند آیه داریم از جمله «فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَكِينٍ» در آیه ۲۱ مرسلات و آیه هشتم سجده «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُؤْلَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» تقریباً در کتب لغت و تفاسیر چهار معنا در مورد «ماء مهین» بیان شده است؛ برخی آن را ضعیف معنا کرده که طبرسی در مجمع البیان و شیخ طوسی در تبیان به این معنا گرفته‌اند (طبرسی، ۱۳۹۰، ج ۱۹: ص ۲۱۲؛ شیخ طوسی ج ۹: ص ۲۰۷)؛ معنای دیگر به مفهوم قلیل و اندک، معنای سوم؛ سست و ناتوان و معنای چهارم به مفهوم

حقیر است ( طیب، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ص ۴۵۰). حقرات یعنی مفهوم چهارم، خود برآیند آن سه واژه قبل است. پس امام سجاد (ع) فرمود: «وَمِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ ابْتَدَأْتَنَا» در بخش دیگر از این فراز آن حضرت به توحید افعالی توجه نموده و می‌فرماید: «فَلَا حَوْلَ لَنَا إِلَّا بِقُوَّتِكَ، وَ لَا قُوَّةَ لَنَا إِلَّا بِعَوْنِكَ» توحید افعالی عبارت است از باور به این‌که هر چیزی در جهان اتفاق می‌افتد، حتی افعال سایر موجودات، فعل خدا است. مطابق توحید افعالی هر عملی که از هر موجودی سر می‌زند، با نیرو و اراده خدا انجام می‌شود. همان‌گونه که خداوند در ذات خود شریکی ندارد، در فاعلیت خود نیز هیچ‌گونه شریکی ندارد؛ همان‌طور که در قرآن کریم آمده «مَاشَأَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ»؛ «هر چه خدا بخواهد، (همان می‌شود) ماشاء الله، نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست» (سوره کهف، آیه ۳۹). توحید افعالی خداوند دقیقاً مصداق تسبیح مبارک «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ» است (مطهری، ۱۳۸۵، ج ۲: ص ۱۰۳) که در فلسفه تحت عنوان قاعده «لَا مُؤْتَرَفِی الْوُجُودِ إِلَّا اللّٰهُ» بیان می‌شود (صدرالمتألهین شیرازی، ۲: ص ۲۱۹ - ۲۱۶). توحید افعالی در اصطلاح عرفان یعنی سالک به مقامی می‌رسد که در عالم، یک فاعل بیش نمی‌بیند که آن یک نیز خداوند است. امدادها و کمک‌ها خداوند شامل دو بخش است.

(۱) بخشی که دربردارنده تمامی موجودات است؛ زیرا خداوند به هر موجودی آنچه لازمه آفرینش او بوده، عطا فرموده و سپس او را در مراحل هستی هدایت و رهبری نموده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قَالَ رَبَّنَا الَّذِي اَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى». گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است» (سوره طه، آیه ۵۰).

در این سخن کوتاه، حضرت موسی (ع) از جانب خداوند اشاره به دو اصل مهم از آفرینش و هستی می‌نماید که هر کدام از آنها دلیل روشن و مستقلی برای معرفت پروردگار است: نخست؛ این‌که خداوند به هر موجودی آن‌چه نیاز داشته، عطا فرموده است. این اصل شامل تمامی موجودات اعم از گیاهان و جانوران و ... است.

مرحله پس از آن مسئله رهبری و هدایت موجودات است که قرآن آن را با کلمه «ثم» در مرحله بعد از تأمین نیازمندی‌ها قرار داده است.

(۲) کمک‌هایی که مخصوص انسان‌ها است. این کمک نیز خود به دو بخش تقسیم می‌شود: الف. بخشی از این کمک‌ها به امور مادی مربوط است: در این بخش رحمانیت خداوند اقتضا می‌کند که تمام انسان‌ها را یاری نماید؛ به این معنی که خداوند برای دستیابی به هدف آفرینش با ارسال پیامبران راه را به انسان نشان دهند. «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!» (سوره انسان، آیه ۳).





خداوند راه رسیدن به کمال را به همه آموخته، از این طریق حجت را بر بندگان تمام نموده و راه هرگونه بهانه‌ای را بر آنها بسته است. انسان مکلف است در این مجال، فرصت را غنیمت شمرده و از موقعیت به دست آمده استفاده نماید و به راه درست رهنمون شود. کلمه «هدایت» به معنای ارائه طریق است، نه رساندن به مطلوب، و مراد از هم «سبیل»، آن مسیری است که آدمی را به غایت مطلوب برساند، و غایت مطلوب همان حق است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ص ۱۹۵).

ب. کمک‌های ویژه و مخصوص: این بخش کمک‌ها که بیشتر امور معنوی و روحانی شامل می‌شود که به نحوی مکمل و تمام‌کننده مرحله پیشین است و تنها شامل کسانی است که در مرحله قبل از کمک‌های معنوی و هدایت الهی به درستی استفاده نموده و خواهان نیل به مراحل بعدی و رسیدن به کمال بالاتر هستند، بنابراین مهم‌ترین شرطی که در این بخش وجود دارد این است که فرد با نیت پاک و خالص خواهان کمک، هدایت و کمال باشد و خودش نیز مقداری از این مسیر را طی نموده باشد به همین سبب امام سجاد (ع) فرمود: «و در این طی طریق احیاناً به موانعی برخورد خواهد نمود و یا در تشخیص حق به تردید خواهد افتاد که خداوند وعده فرموده که با اعطای بصیرت و فهم او را از این تردید نجات داده و یاری خواهد نماید»؛ «فَأَيِّدْنَا بِتَوْفِيقِكَ، وَ سَدِّدْنَا بِتَسْدِيدِكَ».

و یا در فرازهایی از دعای ۲۱ صحیفه سجادیه می‌فرماید: «إِلَهِي أَصْبَحْتُ وَ أَمْسَيْتُ عَبْدًا دَاخِرًا لَكَ، لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَ لَا ضَرًّا إِلَّا بِكَ، أَشْهَدُ بِذَلِكَ عَلَى نَفْسِي، وَ أَعْتَرِفُ بِضَعْفِ قُوَّتِي وَ قِلَّةِ حِيلَتِي»؛ «ای خداوند، شب را به روز می‌آورم و روز را به شب می‌رسانم در حالی که بنده ذلیل تو هستم. مالک سود و زیان خود نیستم مگر به نیروی تو. بر این گواهی می‌دهم و به ناتوانی و بیچارگی خود معترفم» (دعای ۲۱، فراز ۷). در این فراز از دعا نیز آن حضرت بیان می‌دارد که اولاً انسان عبد است و عبد از خود هیچ ندارد و در نهایت ضعف و مسکنت ایام را متوالیاً پشت سر می‌گذارد درحالی مالک هیچ نفع و ضرری برای خود نیست و معترف به ناتوانی و بیچارگی خویش است.

در فراز دیگری که به عنوان شاهد مثال ذکر می‌گردد آن حضرت می‌فرماید: «اللَّهُمَّ وَ أَنَا عَبْدُكَ الَّذِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِ قَبْلَ خَلْقِكَ لَهُ وَ بَعْدَ خَلْقِكَ إِيَّاهُ ... وَ سَأَلْتُكَ مَسْأَلَةَ الْحَقِيرِ الذَّلِيلِ الْبَائِسِ الْفَقِيرِ الْخَائِفِ الْمُسْتَجِيرِ، وَ مَعَ ذَلِكَ حَيْفَةً وَ تَضَرُّعًا وَ تَعَوُّدًا وَ تَلَوُّدًا، لَأَسْتَطِيبًا بِتَكْبِيرِ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَ لَا مُتَعَالِيًا بِدَا لَةِ الْمُطِيعِينَ، وَ لَا مُسْتَطِيبًا بِشَفَاعَةِ الشَّافِعِينَ، وَ أَنَا بَعْدُ أَقْلُ الْأَقْلِينَ، وَ أَدْلُ الْأَذْلِينَ، وَ مِثْلُ الذَّرَّةِ أَوْ دُونِهَا»؛ «ای خداوند، من آن بنده توأم که هم پیش از آفریدن او، او را از نعمت خود برخوردار ساختی و هم پس از آن ... ای خداوند، دست سوال پیش تو دراز کرده‌ام، همانند موجود حقیر ذلیل بینوای فقیر ترسانی، زنهار خواه، همراه با ترس و تضرع و پناه آوردن به تو و التجا به ذیل جلال تو، نه از سر گردنکشی و چون متکبران به تکبر، نه از روی اعتلا آن‌سان که عبادت‌کننده

را دلیر سازد و نه از روی اتکا به شفاعت شافعان. ای خداوند، من کم‌ترین کمترانم و خوارترین خوارترانم، همانند ذره‌ای یا حتی کمتر از آن» (دعای ۴۷، فراز ۷۴ و ۷۵).  
عبودیت، ذلت، مسکنت، خاکساری سرمایه‌سالک در پیشگاه حضرت محبوب است. اگر سالک بتواند سلاح و سرمایه‌عبودیت را در خود حفظ و تقویت کند، از همه امتحانات راه که گاه بسیار سخت است، سرفراز بیرون می‌آید و این فقر و ذلت او را به فنا که قره‌العین اهل سلوک است، می‌رساند (رضایی، ۱۳۹۹: ص ۳۲۸).

تا کم نشوی و کمتر از کم نشوی اندر صف عاشقان تو محرم نشوی

(نجم‌الدین رازی، ۱۳۷۳: ص ۱۵۷)

#### ۴. آثار و نتایج معرفت نفس

معرفت و شناخت نفس در انواع گوناگون آن دارای آثار و نتایج مهمی است. خودشناسی عارفانه و اخلاقی نیز دارای آثار و نتایج فراوانی است از جمله:

##### ۱-۴- ورود به حریم ولایت الهی

یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج خودشناسی پس از درک فقر وجودی، ورود به حریم ولایت الهی است. امام سجاد (ع) در ادعیه گران‌سنگ خود در کنار بیان ویژگی‌های نفس و ارائه صحیح ابعاد معرفت‌شناختی نفس راه‌های تربیت نفس را نیز تبیین می‌نماید از نظر امام سجاد (ع) مهم‌ترین راه مقابله با شیطان که در صحیفه سجادیه تأکید زیادی بر آن شده و انسان از این طریق می‌تواند نفس خویش را تربیت نماید، پناه بردن به خدا و در حریم ولایت الهی قرار گرفتن است. بر اساس آموزه‌های قرآن کریم ولی مطلق خداوند است و انسان پس از درک ضعف و فقر وجودی خود باید خود را تحت ولایت الهی قرار دهد تا با عنایت و دستگیری حق تعالی از تاریکی‌ها خارج شده و به سمت نور هدایت گردد: «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ» (سوره بقره، ۲۵۷).

آن حضرت در فرازی از دعای ۲۸ می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَخْلَصْتُ بِإِنْقِطَاعِي إِلَيْكَ وَأَقْبَلْتُ بِكَلْبِي عَلَيْكَ وَصَرَفْتُ وَجْهِي عَمَّنْ يَخْتَأَجُ إِلَيَّ رَفْدِكَ وَقَلْبْتُ مَسْأَلَتِي عَمَّنْ لَمْ يَسْتَعْنِ عَن فَضْلِكَ»، «ای خداوند، من از روی اخلاص، تنها و تنها تو را برگزیده‌ام و با همه وجودم به تو روی آورده‌ام و از هر کس که خود نیازمند توست رو برتافته‌ام و به هر کس که از نعمت تو اش بی‌نیازی نیست تمنایی نکرده‌ام...» (دعای ۲۸، فراز ۱ و ۲). امام سجاد (ع) در این فراز از دعای ۲۸ صحیفه سجادیه با انقطاع و رویگردانی کامل از غیر خدا، خود را در حریم ولایت الهی قرار داده و حقیقت توجه و پناهنده شدن به غیر خدا را نتیجه سفاهت رأی و ضلالت عقل برمی‌شمارد. ایشان در ادامه می‌فرماید: «تنها و تنها پیشگاه توست که باید دست طلب به سوی آن دراز کرد نه هر کس دیگر که از



او چیزی می‌طلبند، تنها و تنها درگاه توست که باید از آنجا حاجت خواست، نه هر کس دیگر که از او حاجت می‌خواهند» (دعای ۲۸، فراز ۶ و ۷). در عبارات دیگری آن حضرت از مکاید و دسیسه‌های شیطان به درگاه ربوبی پناهنده شده و آن را تنها ملجأ و مأوا می‌داند: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ نَزَعَاتِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ وَ كَيْدِهِ وَ مَكَايِدِهِ، وَ مِنْ الثَّقَةِ بِأَمَانِيهِ وَ مَوَاعِيدِهِ وَ غُرُورِهِ وَ مَصَايِدِهِ»؛ «بار خدایا، به تو پناه می‌بریم از وسوسه‌های شیطان رجیم و کیدها و فریب‌های او و به تو پناه می‌بریم از دل بستن به تمناهای او و وعده‌های او و فریب‌ها و دام‌های او» (دعای ۱۷، فراز ۱). آری این انسان تربیت‌شده مکتب الهی است که با درک فقر و فاقه خود با اعتراف به عبودیت الهی، لبیک‌گو در حریم کبریایی به خاک افتاده و سجده الهی را به جا می‌آورد. «وَ أَنَا، يَا إِلَهِي، عَبْدُكَ الَّذِي أَمَرْتَهُ بِالذُّعَاءِ فَقَالَ: لَبَّيْكَ وَ سَعْدَيْكَ، هَا أَنَا ذَا» (دعای ۱۶، فراز ۱۳) و منم، بار الهی، آن بنده‌ای که چون وی را به نیایش دستور فرموده‌ای از دل و جان آری گوید. پروردگارا! منم که در پیشگاهت به خاک افتاده‌ام».

## ۲-۴- خودسازی و تربیت نفس

یکی دیگر از مهم‌ترین آثار خودشناسی خودسازی و تربیت نفس است؛ زیرا انسانی که نفس خود را به خوبی بشناسد و با نقاط ضعف و قوت آن آشنا باشد، سعی بلیغی به واسطه غریزه حب ذات در رشد و کمال آن مبذول خواهد نمود (مصباح یزدی، ۱۳۷۶، ج ۲: ص ۳۰). امام سجاد (ع) در فرازی از دعای ۲۰ صحیفه سجادیه می‌فرماید: «خدایا هر خصلتی از نفس مرا که مانع رستگاری نفس من است از من بگیر و آن چه را که مایه صلاح آن است بر جای گذار، چرا که نفس من اگر تواش نگاهبان نباشی در معرض هلاکت است» «اللَّهُمَّ خُذْ لِنَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي مَا يَخْلِصُهَا، وَ أَبْقِ لِنَفْسِي مِنْ نَفْسِي مَا يَصْلِحُهَا، فَإِنَّ نَفْسِي هَالِكَةٌ أَوْ تَعْصِمُهَا» (دعای ۲۰، فراز ۱۹).

«دنیاطلبی» یکی از مهم‌ترین رذایل اخلاقی و موانع بزرگ در راه رسیدن به کمالات و فضایل انسانی است. دنیاطلبی و مشغول شدن به متاع اندک دنیا موجب غفلت انسان از یاد خدا و فراموشی مبدأ و مقصد آفرینش و در نتیجه بازماندن از بندگی الهی است. در آموزه‌های اسلامی، «دنیاطلبی» ریشه همه گناهان به شمار آمده و به شدت از آن نهی شده است. علی (ع) در مورد رسوخ محبت دنیا در دل مومنین این‌گونه فرموده است: «أَيُّهَا النَّاسُ إِيَّاكُمْ وَ حُبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ بَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ وَ قِرَانُ كُلِّ فِتْنَةٍ وَ دَاعِي كُلِّ رَزِيئَةٍ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۱۵). به همین جهت، امام سجاد (ع) از خداوند تمنا می‌کند تا خداوند او را از هر آن‌چه از تقرب الهی بازمی‌دارد دور نماید: «...وَ أَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ، وَ تَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ، وَ تَذْهِلُ عَنِ التَّقَرُّبِ مِنْكَ»؛ «و مهر دنیای پست را از قلبم ریشه‌کن فرمای، (همان علاقه‌ای) که مرا از آن چه پیش توست و از طلب وسیله به سوی تو و از تقرب به سوی تو باز می‌دارد» (۴۷، ۱۰۹).

یکی دیگر از اصول تربیتی صحیفه سجادیه «زهدپروری» است. دوری از مظاهر دنیا یکی از اصول مسلم اخلاق و تعلیم و تربیت اسلامی است که بر هدایت خصلت دنیادوستی در انسان مبتنی است و در مقابل آن اصل تربیتی زهد قرار دارد که در صحیفه سجادیه بسیار مورد تأکید قرار گرفته است، زهد در فرهنگ صحیفه به معنای دوری از تعلقات دنیا و اسیر آن نبودن و آزادی از هر چیزی است که بخواهد در انسان چنان تعلق خاطری ایجاد کند که او را از خدا و یاد خدا و آخرت جدا و غافل سازد. امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه پیشنهاد می‌دهد که انسان‌ها «زهد» پیشه کنند و همان را از خدای خود درخواست می‌کند:

«و روزیم کن آسایش در زهد و دوری از دنیا را...» (دعای ۲۰، بند ۲۷)

امام (علیه‌السلام) در این فراز آسایش و راحتی را در زهد و دوری از دنیا بیان می‌فرماید و از خدا درخواست زهد می‌کند. در فرازی دیگر، در مورد نشانه‌های انسان زاهد می‌فرماید: «وَارْزُقْنِي الرَّغْبَةَ فِي الْعَمَلِ لِكَ لِكِ لِكِ لِكِ لِكِ مِنْ قَلْبِي، وَ حَتَّى يَكُونَ الْغَالِبُ عَلَيَّ الزُّهْدُ فِي دُنْيَايَ»؛ «و روزی من چنان قرار ده که شوق عمل در راه تو توشه روز بازپسینم باشد، آن‌سان که صدق آن در دل خود نیک احساس کنم و آن‌سان که دل برکندن از دنیا بر رغبت من غالب آید و با اشتیاق تمام به انجام حسنات پردازم» (دعای ۲۲، فراز ۸). «و مرا در هر حال به ستایش و نیایش و سپاس گزاریت برگمار تا به آن‌چه از دنیا به من داده‌ای شاد نگردم و به آن‌چه مرا از آن بازداشته‌ای اندوه‌گین نشوم» (دعای ۲۱، فراز ۹) و این همان ترجمان کریمه «لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ» (سوره حدید، آیه ۲۳) است که حضرت علی (ع) فرمود: «الزُّهْدُ كَلْمٌ بَيْنَ كَلِمَتَيْنِ مِنَ الْقُرْآنِ قَالَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ (لِكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَيَّ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ) وَ مَنْ لَمْ يَأْسَ عَلَيَّ الْمَاضِي وَ لَمْ يَفْرَحْ بِالْآتِي فَقَدْ أَخَذَ الزُّهْدَ بِطَرَفَيْهِ»؛ همه زهد در دو کلمه از قرآن فراهم است: خدای سبحان فرماید «تا بر آن‌چه از دستتان رفته دریغ نخورید و بدان‌چه به شما رسیده شادمان مباشید و آن‌که بر گذشته دریغ نخورد و به آینده شادمان نباشد از دو سوی زهد گرفته است» (شهیدی، ۱۳۷۱: ص ۴۴۰).

##### ۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

معرفت نفس یا خودشناسی در طول تاریخ در همه فرهنگ‌های بشری دارای اهمیت بوده است. در آموزه‌های دینی، حکمت، اخلاق و عرفان هم بر خودشناسی تأکید خاصی صورت پذیرفته است. در این مقاله با توجه به اهمیت و جایگاه ویژه خودشناسی، این مهم را از منظر امام سجاد (ع) با مراجعه به ادعیه حیات‌بخش صحیفه سجادیه مورد بررسی قرار دادیم. امام سجاد (ع) با بهره‌گیری از سرچشمه زلال قرآن کریم و آموزه‌های نورانی نبوی و ولوی کامل‌ترین شکل حقیقت وجودی انسان را ترسیم نموده‌اند. از نگاه امام سجاد انسان قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی دارد که خداوند به او عطا فرموده و او به واسطه این نعمت‌هایی که قابل شمارش نیست باید حمد و سپاس الهی را به جای



آورد. اما علی‌رغم همه این فضائل انسان ذاتاً دارای فقر و نیاز وجودی است و بلکه بالاتر ذاتاً فقیر است. حضرت در بسیاری دعا‌های صحیفه به این فقر با عبارات مختلف اشاره می‌کند. البته درک این فقر و اعتراف به آن مقدمه کمال آدمی است. درک این فقر و افتخار به آن در درگاه ربوبی او را در حریم ولایت الهی قرار داده و انسان از این طریق می‌تواند زمینه‌های خودسازی و رشد و کمال خود را فراهم آورد.

### منابع و مأخذ

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- صحیفه سجادیه. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
- صحیفه سجادیه. ترجمه عبدالحسین آیتی.
- صحیفه سجادیه. ترجمه حسین استاد ولی.
- آمدی، عبدالواحد. (۱۳۶۶). *غررالحکم و دررالکلم*. تصحیح محدث ارموی. تهران: دانشگاه تهران.
- ابن شعبه حرانی، حسن. (۱۴۰۴ق). *تحف المعقول*. تصحیح و تعلیق از علی اکبر غفاری. قم: موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). *مفردات فی غریب القرآن*. تحقیق: صفوان عدنان داودی. دمشق بیروت: دارالعلم‌الدار الشامیه.
- امام خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹). *صحیفه امام*. تهران: مرکز نشر آثار امام.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷). *مراحل اخلاق در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۶۸). *فطرت در قرآن*. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
- حسینی طهرانی، سید محمدصادق. (۱۳۹۶). *نور مجرد*. [بی‌جا]: علامه طباطبایی.
- ابراهیم حسن، حسن. (۱۳۷۶). *تاریخ سیاسی اسلام*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: جاویدان.
- رضایی تهرانی، علی. (۱۳۹۹). *سیر و سلوک*. چاپ دوم. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۹۰). «شناخت‌های لازم در سلوک عملی با نظر به آرای علامه جوادی آملی». *مجله حکمت اسراء*، شماره ۸.
- رودگر، محمدجواد. (۱۳۸۱). «ولایت عرفانی با درنگی بر آرای علامه طباطبایی». *مجله قیسات*. شماره ۲۴.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۸۵). *زندگانی علی بن الحسین (ع)*. چاپ سیزدهم. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۱). *ترجمه نهج‌البلاغه*. چاپ سوم. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- صدرالمتالهین. (۱۳۹۴). *الشواهد الربوبیه فی منهج السلوکیه*. تصحیح و تعلیق: آشتیانی، جلال الدین. قم: بوستان کتاب.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۱). *مصباح‌المتجهد و سلاح‌المتعبد*. بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- سادات، محمدعلی. (۱۳۶۸). *اخلاق اسلامی*. تهران: انتشارات سمت.
- طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه.



- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۹۰). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمد بسیونی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: احیاء التراث العربی.
- طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم. تهران: انتشارات اسلام.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مسعودی، علی بن الحسین. (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجواهر. ترجمه ابوالقاسم پاینده. چاپ پنجم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۱). به سوی خودسازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۸). خودشناسی برای خودسازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۷۶). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵). مجموعه آثار. تهران: صدرا.
- نجم الدین رازی، ابوبکر بن محمد. (۱۳۷۳). مرصاد العباد. تهران: شرکت علمی و فرهنگی.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. ترجمه محمد ابراهیم آیتی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی